امتیاز

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۶
۲۴ شوال ۱۴۳۸ ● ۱۹ جولای ۲۰۱۷
شماره ۲۲۵۲ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

کارگردان «همسر چینی» به مهر:

به علت مشکل مالی جذب تئاتر آزاد شدم

مرجان قمری کارگردان نمایش «همسر چینی» از ویژگی های این نمایش کمدی سخن گفت و عنوان کرد به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب در تئاتر، جذب کمدی های شبانه شده است.

مرجان قمری بازیگر قدیمی تئاتر که این روزها در اولین تجربه کارگردانی خود بعد از نزدیک به دو دهه بازیگری به سراغ نمایشنامه «همسر چینی» رحمت امینی رفته است درباره کارگردانی این اثر نمایشی به خبرنگار مهر گفت: این نمایش پیش از این دو بار توسط حسن وارسته کارگردانی شده و به صحنه رفته است. من سال ها بود که دغدغه اجرای این اثر نمایشی را داشتم اما راستش از کارگردانی خیلی می‌ترسیدم چون مسئولیت سنگینی دارد. زمانی که در خانه نمایش امکان اجرا برایم فراهم شد با آقای امینی که از سال‌ها پیش آشنایی و دوستی داشتم، صحبت کردم تا متن وی را که حسن وارسته ۱۵ سال پیش کارگردانی و من و رسول نقوی در آن بازی کرده بودیم، کارگردانی کنم.

وی درباره ویژگی های این نمایشنامه اظهار کرد: قصه «همسر چینی» به‌روز است چون مشکلات زن و شوهری همیشه وجود دارد و در هیچ زمانی کهنه نمی‌شود. داستان به شکلی است که صدسال دیگر هم می‌شود آن را اجرا کرد. «همسر چینی» از نمایشنامه‌هایی است که تاریخ انقضا ندارد. ما برای آماده سازی این اثر نمایشی از ۱۵ فروردین ماه تمرین ها را شروع کردیم.

قمری که در این سال‌ها به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب تئاتر در کمدی‌های شبانه بازی می‌کند در ارتباط با تغییر شکل کاری خود توضیح داد: چند وقتی است، تلاش می‌شود که نام تئاتر آزاد را به کمدی شبانه تغییر دهند. من به دلیل مشکلات مالی به این شکل از تئاتر روی آوردم زیرا سال‌ها در تئاتر حرفه‌ای فعالیت کردم اما هیچ پشتوانه مادی نداشتم در حالی که پیشنهادات زیادی هم برای بازی دریافت می کردم. در نهایت با وجودی‌که می دانستم با بازی در تئاتر آزاد با واکنش منفی روبرو می شوم اما به دلیل مشکلات مالی جذب کمدی های شبانه شدم.

وی یادآور شد: خنداندن مردم در این شرایط برایم جذاب است بنابراین در آینده هم حتی اگر یک متن تراژدی را برای اجرا انتخاب کنم باز هم لحظات کمیکی در آن قرار می‌دهم. خنداندن مردم کاری جذاب و در عین حال سخت است چون خنده گرفتن از مردم در سال های اخیر سخت تر هم شده است بنابراین باید ایده ها پردازی و خلاقیت‌های تازه ای را در اجرای یک اثر نمایشی به کار برد.

قمری درباره تاثیری که این اجرا از اجرای قبلی «همسر چینی» به کارگردانی حسن وارسته گرفته است، گفت: در اجرای این اثر نمایشی خیلی تحت تأثیر اجرای قبلی بودم. آن نمایش در آن سال‌ها خیلی گل کرد و اتفاقات خوبی برایش افتاد. ما آن اثر را در تالار نو مجموعه تئاتر شهر اجرا کردیم که در این اجرا نیز عناصر زیادی را از اجرای قبلی وام گرفته ام. البته تلاش کردم خلاقیت‌های بیشتری در این اجرا داشته باشم تا نمایش مدرن تر شود و از حالت سنتیِ اپرای چینی بیرون بیاید به همین دلیل عناصری به متن اضافه کردم تا نزدیک تر به زمان حال باشد. البته تغییرات با هماهنگی کامل نویسنده انجام شد. این نمایش پیش از این دو اجرا موفق داشته و توقعات از اجرای ما بالا بود.

وی درباره بازی نکردن در نقش زن نمایش بیان کرد: این نقش نیازمند یک بازیگر زن جوان است. مینو نوبهاری چهره‌اش بسیار به چینی‌ها نزدیک است و با یک گریم ساده شباهت زیادی به چینی‌ها پیدا می‌کند و جثه ریزی دارد که می‌تواند به راحتی از پس حرکاتی که این نقش دارد، بربیاید. محمد خوشبختیان نیز به دلیل فیزیک مناسبش انتخاب شد.

گلزار در آیین رونمایی از پوستر یک فیلم:

شاهد صف بستن مردم برای «آینه بغل» باشید

محمدرضا گلزار بازیگر سینما در آیین رونمایی از پوستر فیلم «آینه بغل» بیان کرد که با اکران این فیلم می توانید شاهد صف بستن مردم در سینماها باشید.

مراسم رونمایی از بزرگترین پوستر سینمای ایران با حضور عوامل فیلم «آینه بغل» در جزیره کیش برگزار شد. اجرای این مراسم را محمد سلیمی مجری تلویزیون بر عهده داشت و در مراسم از عوامل فیلم به طور جداگانه دعوت کرد تا روی سن بیایند و درباره تجربه ساخت «آینه بغل» سخن بگویند.

در ابتدا از امیر پروین حسینی و منصور سهراب پور دو تهیه کننده این فیلم سینمایی دعوت شد تا از این فیلم سخن بگویند که این دو از عوامل فیلم خود تشکر کردند و از این همکاری به عنوان یک تجربه خوب یاد کردند.

سهراب پور با اشاره به پایان فیلمبرداری «آینه بغل» در جزیره کیش اظهار کرد: ما ۴۰ روز در کنار این عوامل این فیلم بودیم و تجربه بسیار خوبی بود. «آینه بغل» به نظر من یک پدیده در سینمای ایران است.

وی از معین باقری عکاس فیلم «آینه بغل» نیز عذرخواهی کرد که اسمش در پوستر فیلم نیست و بعد با اشاره به حاشیه های یک اتفاق گفت: طی دو ماه گذشته تلاش کردم نکته ای را بیان کنم. اتفاقی اخیرا رخ داد که من شرمسار شدم و اهالی رسانه با گذشت خود از کنار آن عبور کردند.

سهراب پور با اشاره به سالن و شرایط برگزاری مراسم رونمایی عنوان کرد که در حوزه تبلیغات محدود شده اند که تبلیغ نکنند.

منوچهر هادی کارگردان «آینه بغل» نیز در این مراسم عنوان کرد: وقتی کارگردانی می خواهد فیلمی بسازد غیر از عوامل و تهیه کننده فیلمبردار اثر نیز اهمیت بسیاری دارد. در این فیلم هم نقطه برجسته کار، فیلمبرداری روزبه رایکا است.

این کارگردان سینما و تلویزیون با اشاره به بازیگران این اثر سینمایی یادآور شد: من همکاری خوبی با گلزار در سریال «عاشقانه» و همچنین در این فیلم داشتم.

هادی با اشاره به تجربه قبلی خود در همکاری با تهیه کننده های فیلمش اظهار کرد: ما تجربه خیلی خوبی با تهیه کنندگان این فیلم در « من سالوادور نیستم» داشتیم و امیدوارم این موفقیت دوباره تکرار شود.

امیرعباس گلاب خواننده در این مراسم یک قطعه موسیقایی اجرا و بیان کرد: ببخشید اگر صدا مشکل داشت خیلی خوشحالم که اولین اجرای رسمی خود را برای این فیلم در اینجا انجام برگزار کردم.

سپس بابک کایدان نویسنده فیلمنامه این اثر سینمایی اظهار کرد: طرح این کار حدود چند سال پیش به ذهن من رسید و در فیلمنامه از فاصله طبقاتی حرف زده می شود.

وی عنوان کرد: در حوزه سینمای صنعتی می توان گفت «آینه بغل» اولین اثری است که با این ابعاد و فضا ساخته می شود. معمولا ما نویسنده ها می نویسیم و تهیه کننده ها خط می زنند ولی در این کار برعکس بود و تهیه کننده ها در کنار ما ایستادند. این کار همچنین با حمایت منوچهر هادی نوشته شد و بازیگران نیز به ما اعتماد کردند.

یکتا ناصر بازیگر «آینه بغل» بعد از این سخنان اظهار کرد: این کار یکی از لذتبخش ترین تجربیات من بود.

مهلقا باقری دیگر بازیگر این پروژه در جمله کوتاهی گفت: این پروژه خیلی جذاب بود چون کارهای هیجان انگیزی در آن انجام شد و امیدوارم برای شما هم جذاب باشد.

نازنین بیاتی بازیگر این فیلم نیز درباره حضورش در این اثر گفت و بیان کرد: فکر می کنم اولین بار است که در این ژانر کار می کنم و ممنونم که به من اعتماد شد.

جواد عزتی نیز درباره همکاری خود با عوامل این فیلم سینمایی عنوان کرد: این فیلم برای من مثل خواب بود. من در شرایط خیلی سختی در این فیلم کار کردم اما انرژی مثبت بسیاری به من داده شد و امیدوارم شما از نتیجه این فیلم خوشتان بیاید.

آخرین بازیگری که صحبت کرد محمدرضا گلزار بود که درباره حضورش در این اثر سینمایی بیان کرد: این دومین همکاری من با منوچهر هادی بعد از سریال «عاشقانه» است و دومین همکاری با سهراب پور و پروین حسینی بعد از سریال «ساخت ایران» و اکنون می خواهم درباره «آینه بغل» بگویم که منتظر فیلمی باشید که دوباره صف بستن را در سینما شاهد باشید.

سهراب پور در این مراسم اعلام کرد که تیتراژ این فیلم توسط امیرعباس گلاب خوانده خواهد شد و درباره هزینه های تولید «آینه بغل» عنوان کرد: نمی توانم رقم را اعلام کنم اما هزینه سنگینی بابت تولید صرف شد و سه ماه پست پروداکشن این فیلم طول می کشد.

این مراسم با رونمایی از پوستر فیلم «آینه بغل» همراه بود که عوامل فیلم آن را با ۱۵۰ متر مربع بزرگترین پوستر تاریخ سینمای ایران دانستند.

در پایان این مراسم نیز محمدرضا گلزار چند قطعه برای جمعیت حاضر در مرکز همایش های جزیره کیش اجرا کرد.

در حاشیه این مراسم نیز سهراب پور درباره شخصی بودن هزینه های این فیلم یادآور شد: ما از فارابی و یا نهادهای دولتی وام نگرفتیم و ساخت این فیلم به صورت یک حرکت خود جوش انجام شد. ما در ساخت «آینه بغل» دنبال یک قدم رو به جلو بودیم و ریسک کردیم.

وی با اشاره به فیلم «من سالوادور نیستم» که تهیه کنندگی اش را بر عهده داشت، گفت: وقتی می دیدیم سالن ها در آن فیلم پر است فکر کردیم در این پروژه هم از کار استقبال می شود. این یک اثر کمدی اجتماعی است و حال مردم را خوب می کند و امیدوارم در اکران هم همینطور باشد.

هادی ساعی و امیررضا دلاوری از جمله مهمانانی بودند که در این مراسم حضور داشتند که با همراهی محمدرضا گلزار، جواد عزتی، منوچهر هادی، منصور سهراب پور، امیر پروین حسینی، یکتا ناصر، نازنین بیاتی، مهلقا باقری، روزبه معینی مدیر تبلیغات و رسانه فیلم برگزار شد.

بررسی عرفانی بودن جهان معنایی فیلم

رویکرد «رگ خواب» پدرانه است

حسن صنوبری منتقد سینما در یادداشتی درباره ویژگی های «رگ خواب» سخن گفته و جهان معنایی فیلم را عارفانه دانسته است.

حسن صنوبری منتقد سینما طی یادداشتی درباره فیلم سینمایی «رگ خواب» ساخته حمید نعمت اله که در اختیار خبرگزاری مهر قرار داد، عنوان کرده است که این فیلم عاشقانه، اجتماعی و زنانه نیست و فیلمساز رویکردی پدرانه و برادرانه به شخصیت اصلی فیلمش داشته اشت.

در این یادداشت چنین آمده است:

وقتی در تبلیغات تلویزیون دیدم «رگ خواب» را «عاشقانه»ای از حمید نعمت‌اله معرفی می‌کنند تعجب کردم. همچنین وقتی جایی خواندم این فیلم یک فیلم «زنانه» است یا حتی وقتی در نقدهای وارده به فیلم می‌دیدم بعضی می‌گویند «چرا فیلم همان گونه که آغاز شده به انجام نرسیده؟» یا اینکه فردی تاکید داشت که «رگ خواب» یک فیلم «اجتماعی» است، باز هم متعجب شدم.

طبیعتا مناظر و سلایق افراد با هم متفاوت است و این تفاوت‌ها همیشه ارتباطی به میزان تخصص، دانش و فهم افراد نسبت به یکدیگر ندارد. یک نفر ممکن است بگوید «لیلی با من است» یک کمدی خوب است و یک نفر دیگر با پسندها و اندیشه‌های دیگری بگوید این فیلم یک کمدی ضعیف است. اما مشکل اینجاست که یک نفر بیاید بگوید «لیلی با من است» یک فیلم رُمنس یا موزیکال خوب یا بد است است یا نمونه‌ای ضعیف یا قوی از سینمای نوآر. دیگر اینجا خوب و بد بودن و قوی و ضعیف بودن مطرح نیست؛ یک مشکل ابتدایی وجود دارد.

فیلم اصلا فهمیده نشده که حالا بخواهد قضاوت شود. به نظرم چهار قضاوت بالا در باب سینمایی «رگ خواب» هم از جنس تفاوت دیدگاه یا سلیقه نیست، از سنخ فهمیده نشدن فیلم است. اتفاقی که در مورد آثار هنری زیادی می‌افتد. علت چیست؟ به نظر من علت این اتفاق کاهش کیفیت قضاوت‌ها و افزایش شجاعت ابرازشان در عصر جدید است. با رشد روزافزون رسانه‌ها، صفحه‌ها و تریبون‌های انتقادی و برنامه‌هایی چون «نود» و «هفت» و... ما داریم بگونه‌ای تربیت می‌شویم که بیش از اینکه هنر خوب شنیدن و مهارت درست دیدن را داشته باشیم، شجاعت زود قضاوت کردن و اشتیاق قاطعانه نقد کردن را داریم.

«رگ خواب» از منظر ساختاری، سینمایی و هنری یکی از شاهکارهای امروز سینمای ایران است ولی این طفل ابجدخوانِ عالم هنر، در این مقام تنها از ابعاد معنایی و محتوایی فیلم پرسش می‌کند.

می‌پرسید به نظر نگارنده «رگ خواب» فیلمی عاشقانه، زنانه، اجتماعی و با روایتی ناممتد در ابتدا و انتهای خود نیست؟

هم آری، هم نه.

بررسی عاشقانه بودن «رگ خواب

فیلم رمانتیک فیلمی است که محوریت اصلی در آن با موضوع عشق است و طبق سنن سینمایی عموما هم با پایان خوش و وصال عاشق و معشوق تمام می‌شود، چیزی که مطلقا در «رگ خواب» نیست. افرادی هم که انتظار یک روایت ممتد و یک‌دست از ابتدا تا انتهای فیلم را داشتند و از تفاوت حس و حال نیمه نخست و نیمه پایانی فیلم جا خورده‌اند، عموما کسانی هستند که توهم کرده‌اند فیلم عاشقانه است و لابد توقع داشته‌اند این فیلم هم باید مثل عاشقانه‌های معمول سینما و تلویزیون چیزی جز ماجراهای کلیشه‌ای دل‌بردن، دل‌بستن، دل‌کندن و در نهایت دلدادگی ابدی طالب و مطلوب در خود نداشته باشد. حال‌آنکه همین عدم امتداد روایت در دو نیمه فیلم نشان از عاشقانه‌نبودن شالوده داستانی فیلم است.

باری برای تبیین جایگاه عشق در «رگ خواب» می‌توانیم از اصطلاحات نقد ادبی کمک بگیریم. در نقد و بررسی شعر، از دو اصطلاح «معنا» و «مضمون» سخن می‌گویند. معنا، آن محتوای کلان و اصلی اثر هنری است و مضمون فقط دستمایه‌ای برای بیان معنا. بله در این فیلم صحنه‌ها و لحظات عاشقانه بی‌نظیر و شگفت‌انگیزی (فراتر از نرم عاشقانه‌های سینمای امروز) وجود دارد اما عشق و عاشقی فقط یکی از مضامین و دستمایه‌های «رگ خواب» برای بیان معنای اصلی فیلم است و اگر به این توجه کنیم دیگر به این فیلم نمی‌گوییم «عاشقانه‌ای از حمید نعمت اله».

من هنوز در سینمایی‌های نعمت اله عاشقانه‌ای به آن معنا ندیدم. عاشقانه نعمت‌اله تله‌فیلم قدیمی زیبایش با عنوان «فریدون مهربان است» است. حتی به نظرم سریال «وضعیت سفید» او به مراتب از «رگ خواب» به عاشقانه‌بودن نزدیک‌تر است. در «فریدون مهربان است» محوریت اصلی داستان با عشق و رابطه عاطفی خاصی است که بین نقش حسن پورشیرازی و نقش آشا محرابی شکل می‌گیرد و با ازدواج این دو به پایان می‌رسد اما در «رگ خواب» گرچه سخن از عشق می‌رود ولی سخن با عشق تمام نمی‌شود.

بررسی «زنانه بودن» رگ خواب

فیلم زنانه یا فیلم با موضوع زنان، یا فیلم با رویکرد فمینیستی هم، درست مثل فیلم عاشقانه تعریف خودش را دارد و به صرف حضور مولفه‌ها و فضاهای زنانه در یک فیلم نمی‌توان آن فیلم را یک فیلم با موضوع اصلی زنان نامید. بله شخصیت اصلی و پرتره فیلم یک زن است، زاویه دید و روایت فیلم هم به شدت زنانه است، چنانچه نویسنده فیلمنامه هم یک خانم اتفاقا زنانه‌نویس است و در آثار دیگری هم روی شخصیت‌های زن تمرکز داشته است حتی باید این را اشاره کنم که بُعد اجتماعی فیلم هم بیشتر ناظر به زنان است اما وقتی به معنای اصلی و نهان فیلم توجه کنیم باز می‌بینیم رویه اجتماعی فقط یکی از رویه‌های فیلم است و زنانگی هم تا حد زیادی مثل عشق اینجا فقط یک مضمون است لذا فیلم اخیر حمید نعمت اله فاصله زیادی با فیلم‌های کارگردانانی چون رخشان بنی‌اعتماد دارد.

البته که نعمت‌اله در بیشتر سینمایی‌های تاکنونش روی زنان و نوع خاصی از رنج‌ها و مصائبشان در دوران مدرنیته تمرکز داشته و این موضوع جزو تم‌های ثابت آثار اوست اما فیلم به فیلم میزان این تمرکز و جایگاه این معنا در کلیت اثر، متفاوت بوده است. در همه این فیلم‌ها نمی‌گویم «زن آسیب‌پذیر» می‌گویم «رویه فطرتا آسیب‌پذیرِ زنان» در برابر مردان مدرن مورد توجه است. این مرد، چه رضا رویگریِ هولناک «بوتیک» باشد، چه بهرام رادانِ گیج و گولِ «بی‌پولی»، چه حامد بهداد شیادِ «آرایش غلیظ» و چه کوروش تهامیِ بیمارگونِ «رگ خواب»، مردی از مردان شهریِ روزگار نو است که با خودخواهی‌های خاص خودش به زن قصه ـ که هنوز مثل قدیم معصوم است و برخلاف مرد، شهری‌شدن و مدرن شدنش بر زن بودنش سبقت نگرفته ـ ستم می‌کند. این معنا و اندیشه در هر چهار فیلم جناب نعمت‌اله حضور دارد اما دلیل نمی‌شود این فیلم‌ها همه هم زنانه باشند هم با موضوع زنان. «رگ خواب» روایتی زنانه دارد ولی موضوعش زنان نیست، «بوتیک» بالعکس روایتی مردانه دارد ولی تا حد زیادی موضوعش زنان است. باز تاکید می‌کنم. اگر این فیلم فقط رویه‌ای اجتماعی داشت می‌شد موضوع زنان را محتوای اصلی فیلم انگاشت اما دعوی ما این است که چنین نیست! اگر هر چهار فیلم را مد نظر قرار دهیم، نوع رویکرد کارگردان این آثار در مورد این زنان بیش از اینکه زنانه باشد بیشتر پدرانه و برادرانه است. اگر نیک بنگریم این نگرانی‌ها و دلواپسی‌ها از دیدگاه یک مرد است هرچند این مرد مستقیما در بین شخصیت‌های داستان نیست و فقط روایتگری پنهان و بیرونی‌ست.

بررسی اجتماعی بودن «رگ خواب»

«رگ خواب» یک فیلم اجتماعی هم هست قطعا. بازتاب روشنی از تلخی‌های جامعه امروز ما نیز هست قطعا اما به همان دلیل که انرژی اصلی فیلم بر بُعد اجتماعی متمرکز نیست، یک فیلم اجتماعی محض نیست. هرچند نعمت‌اله را به عنوان یکی از بهترین‌های سینمای اجتماعی می‌شناسیم اما این فیلم نسبت به دیگر آثار او به خصوص «بوتیک» که پررنگ‌ترین جنبه‌اش جنبه اجتماعی بود، کاملا متفاوت است و سراغ از لایه‌های درونی و انسانی یک شخصیت گرفته است. حرف اصلی فیلم جای دیگری است، هرچند با حفظ تأویل‌های اجتماعی.

«رگ خواب» عاشقانه هم دارد در خود، جهان زنانه هم، رویه‌ای اجتماعی نیز و روایتی ناهمگون هم، اما با توجه به این سطوح نمی‌توان عمق فیلم را دید و فهمید.

«رگ خواب» اگر عاشقانه بود، عشق زیبای نیمه نخست فیلم ادامه پیدا می‌کرد، اگر زنانه بود موضوع محدود به عالم زنان می‌ماند

و فراتر نمی‌رفت، اگر اجتماعی بود، تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های غیرمستقیم فیلم فقط در حد بررسی علت و معلول‌های اجتماعی می‌ماند اما «رگ خواب» از همه این‌ها درمی‌گذرد و فراتر می‌رود و این تم‌ها و درون‌مایه‌ها در لایه‌های سطحی فیلم همه به کمک اندیشه‌ای نهان‌تر می‌آیند. اندیشه و معنایی که در داستان حضوری استعاری دارد.

در یادداشت کوتاهی که پیش از این (و پس از اکران «رگ خواب» در جشنواره) درباره فیلم نوشته بودم، تاکید کردم: در مجموع اشتباه خیلی از بینندگان این است که ماجرای اصلی را بین پسر و دختر می‌بینند اما برای فهم اصل فیلم باید دقت کرد ماجرای اصلی بین پدر و دختر است. این اشاره به همان عاشقانه‌نبودن فیلم است. باید توجه کرد، طرف گفتگو و مخاطب دیالوگ‌های اصلی و ذهنی مینا (لیلا حاتمی/ شخصیت اصلی فیلم) اصلا کامران (کوروش تهامی/ نقش مقابل در تم عاشقانه فیلم) نیست، بلکه طرف گفتگو و نقش مقابل اصلی (ولو پنهان) پدر میناست. پدری که هم نیست هم هست و در چشم مخاطبِ کلیشه‌های سینما شاید اصلا این نقش به چشم نیاید و شخصیتی فرعی و گذری تلقی شود اما وقتی به سیر گفتگوهای مینا با او توجه کنیم اوست که محور همه چیز است و این بودن و نبودن توامانش بیشتر ذهنیت مرا درباره درونمایه اصلی و استعاری فیلم تقویت می‌کند:

پدر، نماد خدا و یا هر «اصالت و سنتِ مقدس» است، هم هست، هم نیست. در ظاهر هیچ‌جا جلوهٔ روشنی ندارد و در باطن پشت همه لحظه‌ها و رویدادهای مهم هست، هم پشت و پناه و مبدأ است، هم غایت و اصل و مقصد و شخصیت اصلی همواره با او در نیایش است. کلا گفتگوهای ذهنی مینا با پدر خود نماد و استعاره از «نیایش» و «راز و نیاز» است. خود مینا، انسانِ مخلوق، دچار به دنیا و تبعید شده به زمین است و کامران نمادِ دنیا و ابتلائات آن است. انسان با ورود به زمین از مبدأ منفک می‌شود، هرروز قدری از آسمان دور می‌شود به اختیار خویش و با اتکا به عقل و اراده خویش هر روز قدری پایین تر می‌رود، مبتلای دنیا می‌شود و خدای خویش را فراموش می‌کند، سقوط می‌کند وآنگاه در پست‌ترین وضع زمینی خویش دلتنگ آسمان و عالم بالا می‌شود، دلش می‌شکند و بار دیگر از نو خویش را می‌کاود تا آنجا که جایگاه حقیقی خود را به یاد می‌آورد، نزد خدا، نزد پدر.

«رگ خواب» نعمت‌اله را می‌ستایم نه به خاطر عاشقانه‌بودن، زنانه‌بودن یا اجتماعی‌بودنش که بیشتر به خاطر عرفان، حکمت و معرفتی که در باطن روایتِ خویش دارد و توجهی که نسبت به حقیقت انسان دارد. حقیقتِ سرشار از اُنس‌ها و نسیان‌های پیاپی، در باب جهان، خود و خدا. «رگ خواب» را می‌ستایم چون مرا وادار می‌کند خود را در حال کنونی بنگرم و ورای حالات زودگذر، مقام و جایگاه خویش را بکاوم، فارغ از اینکه عاشق، فارغ، زن، مرد، اجتماعی و یا منزوی باشم. زین روست که بعد مدت‌ها، همراه با صدای ممتد دست‌های تماشاگران و پخش تیتراژ پایانی از پرده نمایش جشنواره فجر، جانانه بر صندلی سینما گریستم. هر چند من تجربه گریستن را در صحنه‌های دیگری از فیلم‌های دیگری هم داشتم اما آن اشک‌ها واکنشی ناگزیر از رویارویی با صحنه‌های عاطفی تأثر برانگیز بود حال آنکه این گریستن، گریستنی بود که پدرم آدم (ع) نیز قرن‌ها پیش از تجربه‌های هنری آن را تجربه کرده بود.

یک فنجان چای داغ

کیهان کلهر به تماشای «چند شب تار» نشست

سومین شب از اجرای پروژه «چندشب تار» در حالی با تقدیر از زنده یاد پرویز مشکاتیان همراه شد که کیهان کلهر نوازنده مطرح موسیقی ایرانی مهمان ویژه این کنسرت بود.

تعدادی از نوازندگان مطرح تار دوشنبه شب ۲۶ تیر ماه در قالب سه برنامه مجزا به اجرای شیوه های مختلف تک نوازی تار در تالار رودکی تهران پرداختند. این در حالی است که کیهان کلهر نوازنده مطرح موسیقی کشورمان به عنوان مهمان ویژه در این برنامه حضور یافته بود.

بابک راحتی نوازنده و آهنگساز موسیقی ایرانی که آلبوم های «دلکش» و «گشایش» او با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد اولین نوازنده شب گذشته بود. این هنرمند در بخش اول برنامه به اجرای قطعه ای در دستگاه ماهور پرداخت و در بخش دوم نیز قطعه ای به شیوه عهد قاجار را برای علاقه مندان اجرا کرد.

بهزاد رواقی آهنگساز و نوازنده تار و سه تار که طی سال های گذشته فعالیت های مستمری در عرصه های مختلف حوزه موسیقی ایرانی داشته دومین نوازنده اجراهای روز دوم پروژه «چند شب تار» بود که در دستگاه نوا به اجرای قطعاتی به شیوه «مکتب تبریز»پرداخت.

این نوازنده در بخش پایانی اجرای خود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره پرویز مشکاتیان و معرفی او به عنوان یکی از ستاره های موسیقی ایران قطعه ای از آلبوم «دود عود» را برای علاقه مندان اجرا و این اثر را به روح این هنرمند فقید تقدیم کرد.

هادی آذرپیرا مدرس و نوازنده موسیقی ایران هم که طی ماه های گذشته از نوازندگان ثابت گروه کیهان کلهر در کنسرت های ایران بوده سومین هنرمندی بود که در بخش آخر کنسرت به اجرای قطعاتی در بیداد، شوشتری و همایون پرداخت.

امیرمردانه دبیرجشنواره موسیقی کلاسیک ایرانی، علی بهرامی فرد نوازنده سنتور نیز از جمله هنرمندانی بودند که در دومین شب از اجرای پروژه «چند شب تار» به اجرای برنامه پرداختند. این در حالی است که روز سه شنبه ۲۷ تیرماه اصغر عربشاهی، بهاره فیاضی و حمید خبازی به اجرای برنامه می پردازند.

در طول برپایی پروژه «چند شب» که در هر دوره به یکی از سازهای موسیقی ایرانی اختصاص دارد، تعدادی از هنرمندان منتخب موسیقی کشورمان با رویکرد تک نوازی بدون همراهی ساز دیگر به اجرای برنامه می پردازند.

طبق پیش بینی های انجام گرفته برگزاری مجموعه برنامه های «چند شب» فقط محدود به برنامه «چند شب تار» نخواهد بود و موسسه فرهنگی هنری «نغمه حصار» در نظر دارد تا در دوره های بعد نسبت به برگزاری برنامه های مختلف در حوزه سازهای ایرانی، موسیقی کلاسیک و موسیقی نواحی میزبان علاقه مندان موسیقی ایرانی باشد.

مجید اخشابی:

کم توجهی به بداهه پردازی یکی از نقاط ضعف موسیقی ما است

مجید اخشابی خواننده موسیقی پاپ در برنامه «چشم شب روشن» عنوان کرد که کم توجهی به بداهه پردازی یکی از نقاط ضعف موسیقی ما است.

رضا مهدوی کارشناس مجری بخش موسیقی «چشم شب روشن» شامگاه سه شنبه ۲۶ تیرماه میزبان مجید اخشابی خواننده موسیقی پاپ بود.

اخشابی در بخشی از این گفتگو درباره جایگاه موسیقی بیان کرد: همواره فکر می کنم موسیقی قدرت بیشتری از این دارد که فقط آن را می شنویم. موسیقی همزمان می تواند یادآور خاطره، تصویر، رایحه و تفکر باشد و این نقطه اعجاز موسیقی است که ما را به راحتی به زمان دیگری پرتاب می کند. شاید در بسیاری از هنرها چنین وسعتی وجود نداشته باشد.

وی که فعالیت حرفه ای خود را از سال ۷۰ آغاز کرده است، ادامه داد: هر موسیقی باید تصویری را در ذهن مخاطب ارایه کند و این ویژگی می تواند به موسیقی بُعد و ماندگاری ببخشد که در هر بازشنوایی آن اثر چیزی برای ارایه کردن داشته باشد. این نوازنده سنتور که این ساز را بدون استاد آموخته، یادآور شد: در دوره های تخصصی موسیقی که من در دوره کارشناسی گذراندم، دانشگاه یک بازگشت محسوب می شد. اعتراض من به سیستم دانشگاهی این است که در آن قواعدی را می آموزند که مربوط به ۳۰۰ سال پیش است و کاربردی برای امروز ندارد. من مدام نگران بودم به این نوع نگاه و زیبایی شناسی عادت کنم.

اخشابی تصریح کرد: اکنون حرف های جدید به سختی در موسیقی پذیرفته می شود و بعد از دَه ها سال که بگذرد و بومی شود، دانشگاهیان آن را وارد مباحث درسی کنند. خدا را شکر می کنم که در دوره دکترا رشته تخصصی موسیقی در کشور ما نبود و من در رشته پژوهش هنر مشغول به تحصیل شدم.

این خواننده که با تیتراژ سریال «گمگشته» به شهرت رسید، بیان کرد: مطالعه این رشته به من کمک زیادی کرد و خدا را شکر استادان بسیاری دارم که از آنها یاد می گیرم.

وی درباره استفاده از عنصر بداهه در موسیقی کشور اظهار کرد: بداهه موضوع مغفولی در هنر موسیقی کشور است. حالاتی که یک نوازنده یا خواننده می تواند داشته باشد، بدون سابقه ذهنی به خلق و مکاشفه برسد و چیزی عرضه کند که خودش هم نشنیده و مخاطبان را با لحظات و ملودی هایی آشنا کند که برای هر ۲ زیبا باشد، نکته زیبایی است.

اخشابی در پایان این بخش از صحبت هایش اضافه کرد: کم توجهی به بداهه پردازی یکی از نقاط ضعف ما است که موجب شده سطح ملودی ها و آهنگسازی به افول برسد. این قدرت در هنرمندان ما به تدریج به واسطه برخی از امکاناتی که به وجود آمده و چیزهایی که هنرمند برای ترس از خطا به آن پناه برده به فراموشی سپرده شده است. چرا که هنرمند امروزی می خواهد همه چیز را در قالب های از پیش تعیین شده و بدون ریسک ارایه کند و این موضوع به نابودی قوه بداهه پردازی منجر شده است.

«چشم شب روشن» به تهیه کنندگی امیر قمیشی و با اجرای محمد صالح علا، شنبه تا چهارشنبه هر شب ساعت ۲۳ از شبکه چهار سیما روی آنتن می رود.

اضافات‌مسعودی

بودن یا نبودن !

بعضی وقتها نبودن بهترازبودنه ! این رو اونهایی خوب متوجه میشن که بودن ها رو زیاد تجربه کردن اما به نتیجه ای نرسیدن ! شاید بپرسین مگه همیشه از بودن باید نتیجه ای حاصل بشه ؟ پاسخم اینه که الزاماً نه ! اما بودنی که به نبودن منجر بشه همون بهترکه نباشه !

بودن حس خوبیه اما نه به هر قیمتی ! اینکه بخوای فقط باشی و بودن رو تجربه کنی باعث میشه بودن برات بشه عادت ! و دیگه از این بودن ها لذتی نبری ! اگرهم لذتی می بری بخاطر بودن نیست و چیزهای دیگه توش دخیله ، برای همینه که میگم این رو اونهایی خوب متوجه میشن که بودن ها رو زیاد تجربه کردن . چرا راه دور بریم ! خود من ! خیلی وقت ها بوده که می خواستم با بودن خودم رو ثابت کنم اما متوجه شدم گاهی نبودن تاثیرش بیشتره !!! البته اینو خودم بیشتر درک می کنم و شاید از زاویه دید دیگران اینطور نباشه ! اما تاثیری که نبودن داره هزاربار بیشتر از بودنه ! لااقل برای من که اینطور بوده !

بعضی وقت ها باید با بودن خودت رو ثابت کنی و بعضی وقت ها با نبودن ! و اینا همش تجربه هایی هست که از کنار هم قراردادن پازل پیچیده بودن و نبودن بدست میاری . بقول شکسپیر « بودن یا نبودن، حرف در همین است. آیا بزرگواری آدمی بیشتر در آن است که زخمِ فلاخن و تیر بخت ستم پیشه را تاب آورد، یا آنکه در برابر دریایی فتنه و آشوب سلاح بر گیرد و با ایستادگی خویش بدان همه پایان دهد؟ مردن، خفتن؛ نه بیش؛ و پنداری که ما با خواب به درد های قلب و هزاران آسیب طبیعی که نصیب تن آدمی ست پایان می دهیم»

مسعودعطری